

اما،

ای چشم دیر باور!  
از پشت ابراندوهت  
می بینی،

آی،

می بینی:

با میله های باران  
یک جنگل از بهاران  
دارد شکل می بندد  
در طرح مرگ یاران.



راديو فدائي  
موجي رساي  
موجي رساي

همه روزه در  
ساعات ۱۲/۳۰ و  
۸/۳۰  
بعد از ظهر  
بمدت  
۴۵ دقیقه

بوقت ايران  
روي امواج  
کوتاه  
رديفهاي  
۷۵ و ۶۲  
متر



بزرودي منتشر مي شود

نظمنامه ها و تصبيحات  
حزب کارگر  
موسسه ده بيوکرات روسيه  
۱۹۱۷ - ۱۸۹۸

از انتشارات  
مطبعان چريکهاي فدائي خلق ايران

# بمناسبت درگذشت لنين

ياد لنين براي هميشه  
در قلب و مغز حمتکشان  
جهان زنده خواهد ماند.

براي تماس با جهان با آدرس  
و زمينه ها بنماييد.

JAHAN جهان  
P.O. BOX 540  
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

نشریه

ارگان

سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران  
را بخوانيد

نشریه

ريگاي گدل

سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران  
را بخوانيد

سرنگون باد رژيم جمهوري اسلامي، برقرار باد جمهوري دمکراتيك خلق

# نگاهی بر اوضاع میهن خونبار: در سالگرد قیام بهمن ورستاخیز سیاهکل

جامعه پاسخو نبوده و از پس حل هیچ کدام از مشکلات و نیازهای مردم برنیامده است، بلکه با پروار کردن دیو جنگ، عرصه را بر تمامی زحمتکشان و خلقهای تحت ستم، تنگ تر و تنگ تر نموده است.

حکومت سرنیزه، ترور، زندان، شکنجه و اعدام، اگرچه ضربه‌های برپیکر نیروهای انقلابی وارد آورده و توده‌ها را مرعوب نموده است، اما قادر به از بین بردن نیروهای پیشرو انقلاب، بر طرف کردن اولیه‌ترین نیازهای مردم و خاموش ساختن اعتراضات زحمتکشان نبوده است.

در اینجا، ضمن بزرگداشت ششمین سالگرد قیام پر شکوه بهمن ۵۷ و چهاردهمین سالگرد خاطره

روست که این کجراه تنگ و منحرف از مسیر تاریخ، ناتوان از تداوم بوده و ماندگار نتواند شد. در مقیاس تاریخی، چنین پس رفتنی بی سابقه نبوده و پایدار و طولانی نیز نخواهد بود.

نگاهی کوتاه به اوضاع میهن، نشانگر صحت ادعای فوق است. ارتجاع با آنکه همچنان عنان سرکوب را در دست داشته و بر مردم و نیروهای انقلابی سلطاست، اما وضعیست رژیمش همچنان شکننده و بحرانی است. پس از ۶ سال سرکوب، کشتار و جنایت و بیش از صدها مانور، طرح و برنامه و وعده و وعید، ارتجاع نه تنها هنوز در مقابل هیچیک از مسائل اساسی اقتصادی و سیاسی

بهمن ماه با تاریخ خونبار و حماسه آمیزش همچنان از میهن اندوهگین، آشفته، فقر و جنگ زده، ستمکشیده و خفقان گرفته می‌گذرد و یکبار دیگر نظاره‌گر سلطه بیداد و جهل و استثمار است. بهمن امسال که همچنان بر تارکش پانزده چکاوک خونبار سیاهکل را به یادگار برسر نشانده و خاطره سلحشوریهای فدائیان خلق را همچنان در دل دارد، با دامن خونی و با نقش هزاران شهید راه رهایی، بر عرصه میهن گذر می‌کند و به یادها می‌آورد که یک سال دیگر از قیام پرشکوه خلق گذشت ...

آری، شش سال از قیام تاریخساز خلق گذشت. آنچه در این شش سال گذشت، اما، فد منطق تاریخ و تکامل بوده است و درست از همین

## فهرست مطالب

- |                                     |                                   |                                     |
|-------------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| در حاشیه انتخابات اسلامی پاکستان ۲۶ | تحلیلی از سیستم خود مدیریت -      | سرمقاله: نگاهی بر اوضاع میهن ..     |
| در یوگسلاوی (۱) ..... ۲۸            | گزارشات رسیده: گفتگوی کوتاهی با   | خونبار- در سالگرد قیام بهمن و       |
| یکی از هواداران مجاهدین ..... ۳۳    | دیدگاهها: مارکسیسم و مسئله ملی    | رستاخیز سیاهکل ..... ۳              |
| آموزش واژه‌ها و مقوله‌های فلسفی،    | سیاسی و اجتماعی ..... ۳۹          | مباحثه "جهان" با عضو کمیته -        |
| از خوانندگان ..... ۴۳               | داستان: تجربه نخستین مرگ ..... ۴۴ | مرکزی سچفخا ..... ۷                 |
| نامه‌ای از نیما به ارانی ..... ۴۶   | شعر ..... ۴۸                      | اخبار ایران ..... ۱۳                |
| کد کمکهای مالی ..... ۵۰             | گرچه ما می‌گذریم ..... ۵۱         | در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟ ۱۶ |
|                                     |                                   | گشت و گذار: باز هم در باره وضعیت    |
|                                     |                                   | اسفبار بهداشت و درمان در ایران ۱۸   |
|                                     |                                   | اخبار جنبش دانشجویی ..... ۲۰        |
|                                     |                                   | اخبار جهان ..... ۲۲                 |
|                                     |                                   | اتریش: "سوسیال دموکراسی در منطقه    |
|                                     |                                   | هاینبرگ مرد!" ..... ۲۵              |

حماسه آفرینان سیاهکل، این مشعل افروزان و طلایه داران جنبش نویسن انقلابی، که ره آغاز شده شان در بهمن ۴۹، اولین بازتاب هایش را در بهمن ۵۷ به نمایش گذاشت. اگر چه دست آوردهایش به یغما رفت. را گرامی می‌داریم و فرصت را برای مروری مجدد بر اوضاع کشورمان، مغتنم می‌شماریم.

## ۱- مشکلات اقتصادی

تمام واقعیت‌ها، آمار، ارقام، و داده‌ها نشانگر آن است که رژیم جمهوری اسلامی در وضعیت بسیار بد اقتصادی و مالی قرار دارد. آخرین گزارش‌ها حاکیست که کمبود ارز و - تنگناهای مالی رژیم او را وادار به تحدید واردات نموده است. بطوریکه بجز مواد غذایی ضروری و اسلحه، مانع واردات دیگر می‌شوند. ضعف در عرصه تولید داخلی، هزینه‌های سرسام آور جنگ و وابستگی هرچه بیشتر به درآمد نفت، خاصه با توجه به وضع بد بازار نفت و نزول دائمی قیمت آن در سطح بین‌المللی، رژیم را با کمبود شدید ارز روبرو ساخته است. ایشورها، یکی از موضوعات مباحث سیاسی سردمداران رژیم را، - مسئله افزایش مالیات‌ها (بویژه مالیات‌های مستقیم)، تبلیغ و تاکید بر اصل صرفه‌جویی‌ها و قناعت (بمثابه یکی از "انقلابی‌ترین اصول یک ملت انقلابی" مراجعه شود به نطق‌های اخیر منتظری و خامنه‌ای) تشکیل می‌دهد.

در زمینه گسترش تولید صنعتی و جلب تکنوکرات‌ها و متخصصین نیز رژیم موفقیتی نداشته است. با وجود میدان دادن نسبی به بخش خصوصی، کنار گذاشتن طرح ملی کردن تجارت خارجی، به گور سپردن طرح‌های پیشنهادی اصلاحات ارضی، بازگرداندن بسیاری از زمین‌ها و مستغلات و -

کارخانه‌هایی که در جریان انقلاب مصادره شده بود به سرمایه‌داران ("صاحبان")، هنوز یک جمع‌بندی مشخص و واحد در مورد مالکیت، یک سیاست مبتنی بر منطق بورژوازی و یک فضای امن برای سرمایه‌گذاری در تولید و صنعت فراهم نشده است. هنوز به اعتراف خود رژیم "۸۰۰ هزار هکتار زمین بلا تکلیف در سطح کشور وجود دارد... ما سالانه چهار میلیون هکتار کشت‌دیم داریم، ولی تولید آنها از پانصد تا ششصد کیلوگرم در هکتار تجاوز نمی‌کند. در حالیکه در کشورهای مجاور، تولیدشان حدود یک تن در هکتار است" (زالی، وزیر کشاورزی، اطلاعات ۳۰ دی ۶۳).

## ۲- مسئله جنگ

دیو جنگ که در آغاز "سرشار از نعمات" و "موهبتی الهی" قلمداد می‌شد، امروزه بر حلقوم رژیم بسختی جنگ انداخته است. رژیم، به اعتراف خود خمینی، نه یک قدم راه بازگشت دارد و نه توان پیش‌رفت. رژیم بیش از ۵ سال جنگ خانمانسوز، نه تنها موفق به حصول حداقل شرایط برای خاتمه دادن به جنگ (سقوط حزب بعث و صدام حسین) و - اهداف توسعه طلبانه خود (فتوح کربلا و ...) نگشته است، بلکه کارنامه جنگی‌اش نشانگر نیم میلیون کشته، صدها هزار مجروح و معلول، دو میلیون آواره و جنگ زده، ۲۵۰ - میلیارد دلار خسارت مالی، چندین شهر و روستای ویران شده و ... - می‌باشد. با توجه به تبلیغات و لاف و گزاف‌های رژیم و انتظارات مردم، رژیم جرئت تن دادن به مذاکره و صلح را در خود نمی‌بیند. لذا تنها چاره را در تداوم جنگ در ابعادی محدودتر و بصورت درگیری‌های فصلی یافته است. اما فشار و ناراضی‌های مردم و سیر صعودی فرار از جبهه‌ها، نمی‌گذارد رژیم به این سیاست ادامه دهد و رژیم عراق نیز حاضر نیست چنین وضعیتی را تحمل نماید. حملات متعدد و مداوم -

عراق به کشتی‌های حامل نفت و کنال در بنادر خلیج فارس و نیز حملات وسیع نظامی اخیر به داخل شهرها و پایگاه‌های رژیم، نشانگر این واقعیت است که رژیم عراق با استفاده از در بن بست قرار گرفتن جمهوری اسلامی و ضعف آن، تلاش دارد با وارد آوردن هر نوع فشار ممکن، تکلیف جنگ را یکسره کند چرا که تداوم جنگ، وضعیت شکننده رژیم عراق را نیز وخیم‌تر می‌سازد.

از طرف دیگر، افزایش دائمی ناراضی‌های و شکوه و اعتراض مردم از ادامه جنگ بی‌حاصل، رژیم را سخت نگران کرده است. بعنوان مثال، محقق باسکی، یکی از نمایندگان مجلس، از وزیر بانک‌کار می‌خواهد تا "آمار جبهه رونده‌های سال گذشته کارخانجات خرج را با اسامی مقایسه کنند و ببینند که چگونه سیر نزولی خود را طی می‌کند" (کیهان، ۱۶ آبان ۶۳). آیت‌الله مشکینی نیز ضمن دعوت مردم به صبر و حوصله و تحمل کمبودها و صف‌های طولانی، می‌گوید: "شاید ... سخن‌های بسیار بگویند و بگویند به کمبودها نگاه کنید، ناراضی‌ها را ببینید. بگویند مگر مردم خسته و بی تفاوت نشده‌اند، بگویند آیا نباید به پشت جبهه و داخل فکر کنیم و شاید هم از همه ظاهرها مستدل‌تر بگویند جنگ و وابستگی را نمی‌بینند و ...". (کیهان، ۲۲ آذر ۶۳). این ناراضی‌ها، به اضافه تهدیدها، مجازات‌ها و روش‌های خشنی که اخیرا در مورد مشمولین غایب تشدید نیز شده است، بیانگر بی‌زاری روزافزون مردم از این جنگ ارتجاعی و ضد مردمی است. اما از سوی دیگر، سرنوشت جنگ با سرنوشت رژیم گره خورده است. "سرنوشت انقلاب و اسلام به همین جنگ بستگی دارد" (موسوی، نخست‌وزیر، کیهان، ۲۷ آذر ۶۳). جنگ اگرچه برای رژیم "گران تمام شده است، چهار پنجاه استان آن نیمه فلج است، این

را. می‌دانید، ولی جنگ هستی ما است" (رفسنجانی، کیهان ۱۱ دی ۶۳). در "جنگ تحمیلی مسئله موجودیت اسلام مطرح است، نمی‌توانیم جنگ را بخاطر هزینه بالایی که دارد، رها کنیم" (خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، اطلاعات، ۵ آذر ۶۳). "مسئله اصلی ما در این برهه از زمان جنگ است و چنانچه در این امر حیاتی و مهم، خدای ناکرده کوتاهی از خود نشان دهیم، آنگاه ضربه‌ای بر ما وارد خواهد شد که دیگر هیچ چیز نخواهیم داشت" (ناطق نوری وزیر کشور، کیهان، ۶ دی ۶۳). - "عمده‌ترین مسئله ما، مسئله جنگ است... باید همه چیز تحت الشعاع این مطلب باشد. چرا که این مسئله دقیقاً بعنوان یک مسئله حفظ نظام است" (صادق لوی، نماینده مجلس، اطلاعات، اول آبان ۶۳). و یا اگر ما این جنگ را ببازیم، همه چیز را خواهیم باخت" (موسوی همدانی، امام جمعه همدان، کیهان، ۱۵ آذر ۶۳) بنا بر این رژیم خود می‌داند که سر-نوشت جنگ به یکی از مهمترین عوامل سقوط آن، تبدیل شده است.

### ۳- مشکلات سیاسی

واقعیات نشانگر آن است که رژیم نتوانسته است تضادهای درونی خود را حل کرده و به یک‌انجام و سیاست مشخص و واحدی برسد. اگرچه جناح به اصطلاح معتدل رژیم خواستار رفرم‌هایی در زمینه اقتصادی و سیاسی است و تلاش دارد دست‌بزرگ مالکین و سرمایه‌داران و بخش خصوصی را با زتر بگذارد، ولی جناح دیگر، بر تمرکز سرمایه در دست دولت، تقویت حکومت مرکزی بر محور تجارت با فشاری می‌کند. در حال هر دو جناح در زمینه فرهنگی و سیاسی قشری، واپسگرا و حامی سرکوب و استبداد و خواهان تداوم حکومت اسلامی هستند. خلعت مذهبی و ایدئولوژیک مجموعه رژیم، روبنای سیاسی و فرهنگی آنرا همواره با زیربنای سرمایه‌داری جامعه

و مسلماً با مرگاو، اشتلاف و اتحاد نسبی فعلی هیئت حاکمه بسرعت گسسته خواهد گشت.

عوامل فوق در عین حال باز - دارنده روند استحاله‌ای است که امپریالیسم، سرمایه‌داری بسزرگ و عناصر رانده شده از حکومت، نظیر مدنی، بنی‌صدر و بازرگان و ... بر آن چشم‌امید دوخته‌اند گذشته از هم‌اینها، رشد روز افزون ناراضی‌مردم و اعتراضات توده‌ها، خاصه رشسند اعتصابات کارگری و تداوم حرکت نیروهای اپوزیسیون، جناح‌های مختلف رژیم را در هراس و ناامنی دائمی نگاهداشته و جرئت ریسک کردن هیچ نوع تغییر و تحولی در سیاست سرکوب و خفقان را باقی نمی‌گذارد. ذیلاً در مورد این عامل مهم توضیح بیشترن داده می‌شود.

### ۴- رشد ناراضی‌مندی و

#### اعتراضات توده‌ها

علیرغم توسل جستن رژیم به جنگ برای سربوش‌گذاشتن بر هر نسوع نا بسامانی، با وجود وسیع‌ترین و شدیدترین شیوه‌های سرکوب و خفقان و با وجود ضرباتی که بر جنبش انقلابی و سازمانهای پیشرو آن وارد آمده است، رژیم قادر نگردیده است مقاومت و مبارزات مردم را نابود سازد. کردستان با پیکری زخمی و خونین همچنان می‌رزد، و نیروهای انقلابی با تمامی محدودیت‌ها و مشکلات موجود، همچنان به مبارزه و تلاش در جهت سازماندهی توده‌ها، ادامه می‌دهند. اعتصابات و اعتراضات کارگری در ماههای اخیر، رشد و گسترش چشمگیری داشته است. حرکت‌های توده‌ای - اگرچه بصورتی پراکنده و عمدتاً خودانگیخته - نظیر وقایع افسریه، امجدیه و ... رنگ‌خطر را برای رژیم به صدا درآورده است. نفرت و انزجار مردم از حالت زمزمه‌های پنهانی به مرحله اعتراضات و

در تضاد و کشاکش قرار داده است. رشد سرمایه صنعتی و گسترش مناسبات سرمایه‌داری وابسته، منوط به پذیرش فرهنگ خاص بورژوازی نیز هست. اما تجربه نشان داده است که رژیم هر - بار که گامی در جهت رفرم‌های سیاسی و بورژوازی برداشته است، بخاطر ماهیت مذهبی و عقب‌گرایش، وادار به عقب‌نشینی و گامی به پس‌گردیده است. فرمان ۸ ماده‌ای خمینی که در جهت احیاء بخشی از حقوق بورژوازی شهروندان مرفه، آزادی‌های فردی و جلب متخصصین و تکنوکرات‌ها و آزادی عمل نسبی سرمایه‌های خصوصی بوده است، هنوز هم نتوانسته است تحقق یابد. چرا که امروز تنها بپایگاه باقیمانده رژیم، یعنی خرده-بورژوازی سنتی، نهادها و جریان‌های نظیر سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته‌ها و موسسات ایدئولوژیک و در مجموع "امت حزب - الله"، دارای انتظارات سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک افراطی خاص خود هستند. آنها به آسانی در مقابل کنار گذاشتن شعارهای ضدغربی، کوتاه آمدن بر سر شرایط پایان دادن به جنگ، موضعگیری علیه تروریسم و حادثه آفرینی، نرمش در مقابل بی - جابایی و امثالهم، تسلیم‌نخواهند شد. موارد متعدد از درگیری‌های کنونی نیز نموداری از مقاومت این بخش در مقابل این نوع رفرم‌ها می‌باشد. بعنوان مثال می‌توان از حمله موتور-سواران فالانژ به زنان بی‌حجاب و مغازه‌ها در خیابانهای تهران نام برد. این نوع حرکتها توسط ناطق - نوری، وزیر کشور، محکوم شده و حرکتی "خودسرانه و غیرقانونی" نامیده می‌شود. در مقابل فالانژها شعار "نوری، بی‌حجاب‌پیوندتان مبارک" را بر سر زبان‌های اندازند! این نوع تضادها و درگیری‌ها که در بعضی شهرها به زدو خورد در مراسم نماز - جمعه‌ها نیز کشیده شده است، تنها با وساطت‌ها و وصله‌پینه کردن‌های خمینی است که به انفجار نرسیده است



برخاش‌ها و شعارهای علنی در صفها و اتوبوسها و دیگر مجامع عمومی رسیده است. بدینگونه پایه‌های حمایت رژیم هر روز لرزان‌تر و محدودتر میگردد.

بعضی‌از سران رژیم که خود نزدیک شدن خطر را احساس کرده‌اند، خواستار تداوم و گسترش سرکوب و بعضی نیز خواهان رفرم در جهت جلب مردم و کاهش نارضایتی‌ها هستند. آنها با وجود شمامی ادعاهایشان مبنی بر "ذره عرصه بودن امت و شکست و نابودی ضدانقلاب"، به طرق مختلف وحشت و هراس خود را از رشد نیروهای انقلابی و مبارزات مردم نشان میدهند. موسوی، نخست‌وزیر، طی سخنانی، می‌گوید: "مدیران و نیروهای حزب‌اللهی باید هوشیار باشند. جوانه‌های ضد-انقلاب نباید رشد کند" (کیهان، مهر ۶۳). احمدی، سخنگوی "انقلاب فرهنگی" خطاب به دانشگاهیان می‌گوید که از حرکت ضدانقلاب در داخل و خارج دانشگاه غفلت نکنند و هشدار میدهد: "اگر بخواهید یک ذره سستی بکنید، گرفتارید." رحیمی، نماینده مجلس می‌گوید: "... ما هنوز در نیمه راه هستیم، ضرورت تقویت دادگاه‌های انقلاب بیشتر احساس می‌شود که امید است آنها را فعال‌تر نمائید" (کیهان، ۳۰ آبان ۶۳).

گروهی دیگر که خواهان تغییراتی در سیاست‌های فعلی هستند، بسا نگرانی به عمق نارضایتی‌ها و بسی پایه شدن رژیم اشاره می‌کنند. بعنوان مثال شهرکی نماینده مجلس می‌گوید: "ما باید واقعیات اجتماع را در نظر بگیریم. آیا لازم است کار به آنجا برسد که داد مردم دربیاید و شروع کنند به فریاد زدن؟" (کیهان، ۲۲ - مرداد ۶۳). روزنامه کیهان (سوم دی ۶۳) می‌نویسد: "کارگران نسبت به اخراج کارگران که هر روز ابعساد وسیع‌تری بخود می‌گیرند، اعتراض کرده و خواهان برخورد قاطع مسئولین، بویژه وزارت کار با این مسئله شدند." تمام می‌شاهد نشانگر آن است

که رژیم نه تنها تثبیت نشده، بلکه پتانسیل عظیم رشد مبارزات زحمتکشان و نیروهای انقلابی او را وادار به تداوم سیاست سرکوب و خفقان نیرو می‌کند. چنانکه موسوی اردبیلی بدروستی درک کرده است، "ضدانقلاب (یعنی نیروهای انقلابی و مردم آگاه)، جوی را در مملکت ساخته‌است که هر لحظه ممکن است مسئله جدیدی پیش بیاید و با جریان‌ات تازه‌ای روبرو شویم. ما باید برای همه‌این مسائل آماده باشیم... و مواظب اعمال خود هم باشیم" (کیهان، ۵ اردیبهشت ۶۳). بیهوده نیست که علیرغم مانورها و طرح‌های تعدیل‌کننده و رفرمیستی ارائه شده، رژیم عملاً در جهت تحدید هر چه بیشتر آزادی‌ها حرکت می‌کند. طرح جدید قانون مطبوعات که اخیراً به مجلس ارائه شده است، در زمینه اعمال فشار و محدودیت، سانسور و خفقان در عرصه مطبوعات بی سابقه می‌باشد. خزاعی، یکی از نمایندگان مجلس در مخالفت با این طرح گفته است: "با وجود این طرح، فردا باید در مطبوعات بسته شود، زیرا نمی‌توانند یک کلمه هم بنویسند!" (اطلاعات، ۲۹ دی ۶۳).

## ۵ - موقعیت بین‌المللی رژیم و سیاست امپریالیسم

موقعیت رژیم در سطح بین‌المللی نیز بر وفق مرادش نمی‌باشد. رژیم خمینی اگرچه رژیم مطلوب امپریالیسم نیست، اما از آنجا که امپریالیسم بدیل مناسب‌تر و بالفعل‌تری در دسترس ندارد، در شرایط فعلی به حمایت و تقویت آن پرداخته است. لیکن وخامت وضعیت فعلی رژیم، ناتوانی و تناقضات درونی آن در تحقق بخشیدن به برنامه‌های اقتصادی، فرهنگ عقب مانده آن که با رشد مناسبات سرمایه‌داری همخوانی ندارد، و ماجراجویی‌ها و حرکت‌های تروریستی آن در منطقه باعث شده است که امپریالیسم با تقویت و فحش

کردن سلطنت‌طلبان از یک طرف آلترناتیو دیگری را نیز در آستین بیروراند و از طرف دیگر از آنها به مثابه مترسکی در جهت اعمال فشار بیشتر بر روی رژیم و ترغیب آن به همخوانی و فرمانبرداری و استحاله در مسیر مورد نظر خود، استفاده جوید. در هر حال، کارنامه سیاه رژیم در سطح روابط خارجی و اوضاع منطقه نیز کم‌رنگ‌تر از سیاست‌های داخلی آن نیست. گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایجاد پیمانهای نظامی جدید بین رژیم جمهوری اسلامی و سایر رژیم‌های ارتجاعی منطقه، تقویت موقعیت مهبوتیسم، روسفید جلوه‌شدن رژیم شاه و سلطنت‌طلبان در انظار مردم منطقه و جهان در مقایسه با چهره جنایتکار و قرون وسطائی رژیم خمینی، تقویت پان اسلامیم و ارتجاع مذهبی در پاکستان، افغانستان و سایر کشورهای مسلمان نشین مجاور و همگی از "دست‌آوردهای" بین‌المللی رژیم بوده است.

بر اساس بررسی‌های مختصر فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رژیم ارتجاعی و فئودالی جمهوری اسلامی، نه در روند تقویت و تثبیت، که در پروسه گسستن و تضعیف پیش می‌رود. بحران‌های سیاسی و اقتصادی رژیم، تناقضات درونی آن و انتظارات فشارها و خواسته‌های مردم از هر نوع موفقیت‌آسانی رژیم در حل مشکلات پایه‌ای جامعه جلوگیری کرده است. با وجود این تا زمانیکه یک آلترناتیو انقلابی قوی و یک چشم‌انداز حکومتی مردمی که بتواند حرکت بخش‌های اصلی و فعال جامعه، یعنی عمدتاً کارگران و زحمتکشان را سازماندهی کند و توده‌های بی‌اعتماد و مایوس را تحرک و امیدواری ببخشد و رژیم متزلزل را به مرحله سقوط بکشاند، بوجه نیاید، این رژیم بسا تمام مشکلات و نابسامانی‌ها و بحران‌هایش خواهد توانست چندصباحی دیگر نیز به حیات ننگین خود ادامه دهد. بقیه در صفحه ۲۲

## مصاحبه نشریه جهان

### بایکی از اعضای کمیته مرکزی

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

### و مسئول کمیته خارج از کشور

توضیح:

فرستی دست‌داد تا با یکی از رفقای عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مسئول کمیته خارج از کشور گفت‌ووشی انجام دهیم. عین مصاحبه انجام شده در زیر درج می‌شود.

"جهان"

۲ ژانویه ۱۹۸۵

سؤال - نظر شما راجع به وضعیت سیاسی اقتصادی رژیم چیست؟

جواب - رژیم جمهوری اسلامی تلاشهای زیادی را برای سوسامان دادن به وضع اقتصادی خود آغاز کرده است. بسیاری از قراردادها و اقتصادهای که در دوران شاه با انحصارات امپریالیستی منعقد شده بود مجدداً توسط رژیم احیا شده است. اکنون بخش وسیعی از صنایع با کمک و حمایت انحصارات امپریالیستی بکار مشغولند. دست بخش خصوصی بیش از پیش برای ورود کالومعامله با امپریالیستها بازگذاشته شده است. بطور مثال رژیم اخیراً یک قرارداد به مبلغ ۷/۶ میلیارد دلار با آلمان غربی منعقد نمود. از این مبلغ بخشی برای بازسازی مراکز و تاسیسات اتمی اختصاص داده شده است که بعداً زسرنگونی رژیم شاه متوقف شده بود. بقیه به خرید کالوماشین آلات ساخت آلمان و مواد غذایی مربوط میشود با اینهمه هنوز هم بسیاری از کارخانهها و صنایع در حذنیمی از ظرفیت خود مشغول بکار هستند.

رژیم همچنین تلاشهایی برای رهایی از بحران کشاورزی آغاز نموده است. اعتبارات زیادی را در این زمینه اختصاص داده است. اما هنوز در بخش صنایع و در بخش کشاورزی هیچیک نتوانسته است. تغییر جدی بوجود آورد. بخش وسیعی از درآمدهای دولت که از نفت بدست می‌آید در خدمت هزینه‌های جنگی رژیم است. مسئله کمبود ماخ و گرانی کالاهای تورم افشا رگسخته، نیز همچنان در زمره مهمترین مسائل اقتصادی دولت است که نتوانسته‌گامی در جهت حل آنها بردارد. در مجموع که به وضعیت تماماً که رژیم نظریاً فکندیم می‌بینیم که بحران اقتصادی همچنان پایرجاست. نتیجتاً فشار بر نیروی توده‌های مردم بسیار زیاد است. ناراضی آنها مدام افزایش می‌یابد. کارگران بیش از تمام طبقات واقشار جامعه در زیر فشار اقتصادی قرار دارند. بخش عظیمی از کارگران بیکارند. سطح دستمزدها آنها بهیچوجه تا مین کتنده حد اقل معیشت آنها نیست. اعتمادات متعدد کارگری که اکنون جریان دارد، خود بازگوکننده شرایط و درخواستها کارگران است. اعتمادات اخیر در کارخانجات ذوب آهن، نفت، توبوسرانی پارس متال ودهها مورد دیگر که هم‌اکنون جریان دارد، تنها نمونه‌هایی است از اعتراضات روزافزون کارگران علیه رژیم جمهوری اسلامی.

از لحاظ سیاسی نیز رژیم علیرغم بکارگرفتن سیاست سرنیزه، سرکوب و ایجاد رعب و استفاده از فاشیستی‌ترین شیوه‌های پلیسی هنوز نتوانسته است خود را تثبیت نماید. در کارخانه‌ها کارگران متشکل از گذشته دست به اعتصاب می‌زنند. اعتراضات خودبخودی گسترده تر شده است. بموازات گسترش مبارزه و بالرفتن شدت مقابله در مقابل رژیم، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هر روز بر این باورند که رژیم می‌افزایند. رژیم تاکنون بیش از سی هزار نفر از نیروهای انقلابی را تیرباران نموده است. هم‌اکنون بیش از صد هزار نفر زندانی سیاسی در زندانها وجود دارد. علیرغم تمام جنایاتی که رژیم در زندانها آفریده است و روحیه مقاومت بالاست. البته این واقعیت است که رژیم نتوانست بعد از حوادث ۳۰ خرداد ۶۰ که مجاهدین نیروی خود را بدون سازماندهی و برنامهمشخص رودر روی پاسداران قرار دادند ضربه‌ای به نیروهای انقلابی وارد آورد. موازنه سیاسی را به نفع خود برهم زندوبیا برهم خوردن این موازنه سیاسی ارتگانه‌های سرکوب خود را مستحکم نماید و با برقراری یک دیکتاتور عیان کسخته به سرکوب‌های وحشیانه‌تری دست زد که البته در کوتاه مدت نتوانست تا حدی جاسومبارزات توده‌ها را بگیرد اما با اینهمه رژیم موفق نشد مبارزات رشدیابنده توده‌ها را سد کند. علاوه بر اعتمادات کارگری، طی ماههای اخیر اعتراضات توده‌ای در مناطق مختلف ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

بطور مثال حرکت یکپارچه مردم در استان دیوم امجدیه تهران، اعتراض گسترده مردم مشهد علیه فضا رهای سیاسی - اقتصادی رژیم، اعتراضات متعدد در کرج، شمال، بویژه رشت و لسنگر و دودها مورد دیگر که در سراسر ایران جریان دارد. خلق قهرمان کرد نیز همچنان به مقاومت علیه یورشهای وحشیانه رژیم در این منطقه ادامه میدهد و روزی نیست که پیشمرگان در یک مصافنا برابر با مزدوران مسلح به مجهزترین سلاحهای امپریالیستی ضربات مهلکی به نیروهای رژیم واردتیا و روند، بطور کلی وضعیت موجود گویای این واقعیت است که تودههای مردم در هیچ کجای ایران از نیروهای رژیم تمکین نمیکنند و رژیم فقط با زور سرنیزه به حیات خود ادامه میدهد. این وضع نیز نمیتواند دوام یابد و دیرری نخواهد بود که تودههای مردم طومار شکنان این رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم را درهم میپنجند.

**سؤال** - بیش از چهار سال از جنگ بین رژیمهای ایران و عراق میگذرد، در این مورد نظر شما چیست و چشم انداز این جنگ را چگونه ارزیابی میکنید؟

**جواب** - مهمترین مسئلهای که امروز مسئله عموم مردم ایران است، مسئله جنگ است. امروز برای بسیاری از تودههای مردم ایران ماهیت ارتجاعی این جنگ در تجربه روشن شده است. آنها به تجربه دریافتهاند که این جنگ در جهت منافع آنها نیست، توده وسیع مردم نه تنها تمایلی به جنگ ندارد بلکه شدیداً مخالف آن هستند. رشد احساسات صلح طلبانه در میان تودهها، انعکاس این واقعیت است که مردم از جنگ نفرت دارند و خواستار پایان یافتن آن هستند. اما رژیم جمهوری اسلامی همچنان به جنگ ادامه میدهد.

**سؤال** - آیا با توجه به اینکه تودههای مردم طالب صلح هستند، شعار نیروهای انقلابی چه باید باشد؟ چون برخی نیروها شعار صلح را شعار محوری در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی قرار دادهاند؟

**جواب** - بله برخی جریانها نظیر مجاهدین را نگاهار، رگر، پس ماندههای اکثریت و حزب توده در خارج از کشور و اما مثلهم شعار صلح را طرح کردهاند. اما این شعارها فرمت طلبانه است، کدام صلح؟ توسط چه کسی؟ در خدمت منافع کدام طبقات؟ آنها در حقیقت توده مردم را فریب میدهند. از تودهها میخوانند که از رژیم جمهوری اسلامی صلح طلب کنند. آیا رژیم جمهوری اسلامی میتواند صلحی بدهد که مطلوب تودههای مردم باشد؟ پاسخ منفی است.

**سؤال** - آیا رژیم جمهوری اسلامی پای قرارداد صلح با رژیم عراق خواهد آمد؟ و آیا در مقابل طرح شعار صلح بوسیله جریانها فوق الذکر سازمانها مشخصی طرح کرده است؟

**جواب** - رژیم جمهوری اسلامی در نهایت میتواند پایداری یک بند و بست و یک آتش بس موقت برودنه صلح به معنای واقعی کلمه، یعنی صلحی که مطلوب تودهها و در خدمت منافع آنها باشد، رژیم هرگز پایداری چنین صلحی نخواهد داشت. شعار ما نیز اساساً با شعار جریانها فوق الذکر متفاوت است. ما میگوئیم آرزوهای صلح طلبانه تودهها بیاننگارین واقعیت است که تودهها از جنگ بیزارند. ما باید از این خواست تودهها استفاده کنیم و بیمنافع به پیش آهنگ آگاهیم منافع طبقاتی کارگران به تودهها توضیح دهیم که برقراری صلح، بر افتادن ستم و رفاقتها و آسایش تودهها ایده آل ماست. اما بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نمیتوان با این خواستهای برحق و عادلانه دست یافت. از این روست که ما به مردم توضیح میدهم که برای دست یابی به یک صلح دمکراتیک باید این جنگ ارتجاعی را به یک جنگ داخلی انقلابی تبدیل کرد، یعنی ما مردم را به قیام علیه رژیم فرا میخوانیم. تکرار شعار صلح بدون پیوند آن با سرنگونی رژیم شعار فرست طلبانه است که هدف آن فریب تودههاست. از زبدهای این جریانها گویا که طبقات ارتجاعی حاکم و بورژوازی کشورهای در حال جنگ میتوانند به مردم صلح اعطا کنند!

**سؤال** - با توجه به انتخابات اخیر آمریکا و مسامحه های ریگان چه تحولاتی را در هیئت حاکمه ایران میتوان انتظار داشت؟

**جواب** - مسئله اساسی که باید در نظر داشت این است که رژیم جمهوری اسلامی با توجه به مجموع شرایط سیاسی ایران و منطقه رژیم مطلوب برای امپریالیستهاست. بویژه امپریالیسم آمریکا طی چهار سال گذشته تلاشی زیادی برای بقا این رژیم نموده است. برخیها تصور میکنند که امپریالیسم آمریکا با توجه به اینکه به سلطنت طلبان اعتماد بیشتری دارد تلاش خواهد کرد که آنها را جایگزین رژیم جمهوری اسلامی کند، اما واقعیت چیز دیگری است. امپریالیسم آمریکا اکنون خواهان حفظ وضع موجود در ایران است و هر تلاشی را که بخواند انجام دهد با استفاده از نیروهای درون رژیم انجام خواهد داد. چرا که در شرایط سیاسی موجود هر تغییر سیاسی ممکن است منجر به بحرانی تر شدن اوضاع شود. چیزی که امپریالیسم از آن وحشت دارد، بنا بر این تبلیغات انتخاباتی ریگان یک مسئله سیاسی است عملی



سؤال - در اینجا می‌خواستیم نظر شما را در باره سیاستهای تجا وزگرا نه امپریالیسم در سطح جهان و مدخلات نظامی آنها جویا شویم؟

جواب - امپریالیسم در چنگال یک بحران عمومی همه گیر گرفتار است . این نظام سرتاپا کندیسیده در حال فروپاشی است ، از حیث اقتصادی با یک بحران مدام و مزمن روبروست . در این مورد ما را بیگانه و رکود اقتصادی در کشورهای امپریالیستی خودبیا نکران واقعیت است ، بطور مثال بیکاری در انگلیس ۱۲/۹ درصد و در آلمان ۸/۸ درصد میباشد و این در حالی است که کسری بودجه در امریکا بر قریب در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است . از طرفی هر روز بر حدت تفا دبین امپریالیستها افزوده می‌شود . تضاد گروه بندیهای بین المللی ، تفا دامپریالیسم ژاپن و آمریکا ، تفا دامپریالیستها ی اروپا و آمریکا و غیره . همچنین امپریالیسم بطور مدام در سطح جهان با از دست دادن بازارهای خود و آزاد شدن ممالک تحت سلطه و وابسته روبروست . از آنجا که از حیث سیاسی نیز گرایش به ارتجاع و سرکوب دارد ، رشد طفیلیگری آن در توسل به میلیتاریسم خود را نشان می‌دهد . امپریالیستها دول مرتجع تحت سلطه و وابسته خود را سرتاپا مسلح می‌کنند ، جنگهای منطقه‌ای بر ازمی‌اندازند و دست به ماجراجویی می‌زنند . بطور مثال هنگامیکه امپریالیسم آمریکا نتوانست با دخالتهای غیر مستقیم حکومت مردمی کرانادا را که در مارس ۱۹۷۹ برهبری موریس بیثاب بقدرت رسیده بود سرنگون کند بطور مستقیم و با دخالت نظامی این کار را عملی ساخت . دخالتهای مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم آمریکا اکنون در نیکارا گوشه و السالوا دور نیز خودبیا نکران حقیقت است که امپریالیسم به سیاستهای تجا وزگرا نه خود بطور پنهانی و آشکار در سطح جهان ادامه می‌دهد . از دیگر تجا وزات نظامی امپریالیستها که اکنون دنیا شاهد آن است و بطور آشکار صورت گرفته است ، منطقه خاور میانه و خلیج فارس میباشد . اما در این منطقه نیز شکست آنها حتمی است . وضعیت موجود در لبنان بیا نکران واقعیت است که دوران مدخلات نظامی برای امپریالیستها بسر آمده است . ویتنام این را قبلا بیا نکران رسا ند .

سؤال - صحبت از خاور میانه و خلیج فارس شد ممکن است در باره سیاستهای امپریالیسم در این منطقه بیشتر توضیح دهید؟

جواب - بله - منطقه خاور میانه و خلیج فارس بخاطر اهمیت استراتژیک اقتصادی - سیاسی و نظامی آن برای امپریالیستها ، اکنون مورد تعرض گسترده امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است . امپریالیسم آمریکا در این منطقه دست به ایجاد بلوک بندیهای نظامی تحت رهبری عربستان سعودی زده است . گرچه تعرفات آنها در لحظه کنونی ممکن است برد سیاسی محسوب شود اما مطمئنا رشد جنبشهای ضد امپریالیستی را در منطقه باعث میگردد .

البته شوروی نیز بخاطر سیاستهای مماشات طلبانه خود ، مماشات با دولت‌های ارتجاعی منطقه ، حمایت از احزاب و سازمانهای اپورتونیست ، باین تعرض امپریالیسم کمک کرده است . مطمئنا این تعرفات اخیر امپریالیسم آمریکا در آمریکا لاتین و خاور میانه بیا بد درس خوبی برای رهبران اتحاد جماهیر شوروی باشد .

از طرف دیگر امپریالیسم ، جهان را در لبه پرتگاه یک جنگ عظیم جهانی دیگر قرار داده است . کشورهای اروپائی را تحت چتر حمایت خود را ردیک درگیری بزرگ نموده است و هفت هزار کلاهک اتمی را در ۱۵۰ نقطه اروپای غربی مستقر ساخته است . آمریکا قصد دارد ۵۷۲ سلاح اتمی جدید را در اروپا مستقر سازد ( ۱۶۰ موشک کروزر در انگلیس ، ۱۰۸ موشک پرشینگ ۲ و ۹۶ موشک کروزر در آلمان غربی ، ۱۱۲ موشک کروزر در ایالتی ۴۸ موشک کروزر در بلژیک و ۴۸ موشک کروزر در هلند ) . آخرین پروژه بزرگ آمریکا پروژه جنگ فضا شئی است . آمریکا قصد دارد یک مرکز دفاع ضد موشکی در فضا بوجود آورد . ریگان در نظر دارد بودجه این پروژه را در عرض ۳ سال آینده سه برابر سازد .

بها اعتقاد من امروز بیش از هر زمان دیگری به وحدت نیروهای ضد امپریالیست در عرصه جهانی برای وارد آوردن ضربه قطعی به امپریالیسم نیازمندیم .

سؤال - نظر شما نسبت به شورای ملی مقاومت چیست؟

جواب - واقعیت این است که مردم ایران چیزی بنام شورای ملی مقاومت نمی‌شناسند ، تنها سروصدائی از آن در خارج از کشور بگوش میرسد . این شورا بعد از تزلزل پی‌درپی اکنون با بن بست و بلاتکلیفی روبرو شده است و تنها اسمی از آن در دست مجاهدین باقی مانده است .

**سؤال** - وضعیت سازمان مجاهدین را چگونه می‌بینید؟

**جواب** - شما بخوبی میدانید که سازمان مجاهدین خلق در مقطع ۳۰ خرداد گذشته‌های هوادار و نیروهای تشکیلاتی خود را که در مقابل توده‌های میلیونی اندک بودند به نسیابت از جا نیتوده‌ها بخیا با یکشید، آنهم بشکل بسیار بیجا و نوبدون سازمان ندهی معین. علت این مسئله نیز این بود که مجاهدین در آن مقطع، با بنی صدر رئیس جمهور خمینی عملاً زش کرده بودند و نسیابت از بیگ جنبش توده‌ای برای سرنگونی رژیم نمی‌دیدند. مجاهدین تصور می‌کردند که رتش بجا ننداری از آنها و بنی صدر را رد عمل خواهد بود و کار رژیم یکسر خواهد شد، اما دیدید که چنین نشد. رژیم از فرصت بدست آمده حداکثر بهره‌را گرفت. رژیم نه تنها بیشترین ضربه‌را به مجاهدین بلکه به کلیه نیروهای انقلابی وارد ساخت. با شکست استراتژی تاکتیک مجاهدین آنها با بن بست روبرو شدند و اکنون درجا رتشتت و پراکنندگی درونی هستند.

**سؤال** - مدت‌هاست که رهبری این سازمان دست به فحاشی و برخوردهای غیرسیاسی نسبت به سایر نیرو-

های انقلابی زده است. در این مورد نظر شما چیست؟

**جواب** - برای پاسخ به این سؤال باید به ناگاه میباید سیاست‌های سیاسی و بندوبست‌های آنها در گذشته برگردیم. رهبری مجاهدین بعد از ۳۰ خرداد و عرا خود را عملاً سازمانی نیروهای انقلابی جدا کرد. آنها را سازمانی با بنی صدر و رتش زاپیش گرفتند. آنها با فردی سازش کردند که پیشینه‌اش برای توده‌های مردم روشن بود. بنی صدر رئیس جمهور خمینی قاتل خلق کرد، ترکمن صحرا و مسئول کشتاردا تشنگا هسا بود، رهبری مجاهدین نیز بخوبی با پس امرواقف بود، اما سیاست سازشکارانه آنها در زمینه کسب قدرت سیاسی از بالا و اادارشان کرد تا به این سازش تن در دهند. می‌بینید که امروز کار رسوا نشیان به کجا کشیده شده است. در ادا مه همین خط مشی سازشکارانه است که امروزه را فرا ترا سازش با رتش و رئیس جمهور خمینی گذاشته اند، آنها اکنون در مقابل سران مرتجع ترین کشورهای دست نشانده‌ها نندگانی سنای آمریکا رتتصیم فرود می‌آورند. اما مشکلات دیگری نیز گریبان گیر آنها بوده است بطور مثال بعد از خروج رجوی و بنی صدر از ایران و بعد از آن خروج رهبری مجاهدین و رها کردن آنهمه نیروی جوان و پورشورا انقلابی بدون برنامه و سازمان ندهی، رهبری مجاهدین اعتبار و حیثیت خود را نه تنها در بین توده‌های مردم بلکه در بین هواداران نشان هم از دست داد. شکست استراتژی و تاکتیک مجاهدین و پس از آن فحاشی من در آوردی و بی‌پایه و اساس رجوی در باره مبارزه مسلحانه از یک طرف و جنگا لها و عوام‌فریبی‌های دوسال گذشته‌ها ن بهر راه و وعده و وعیدهای توخالی و دروغین از سوی دیگر تا شیرسیا رمنفی برا ذهن توده‌های مردم بویژه هواداران نشان باقی گذارد. بعد از این شکستها بود که پیروزی دیپلماتیک را عملاً محور کار خود قرار دادند. ولی این سیاست جدید رهبری مجاهدین هم بندوبست بیشتری را می‌طلبید، در همین مقطع بود که ملاحظه می‌کنید دشمنی و خصومت رهبری این سازمان با طبقه کارگر، بویژه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آشکارتر می‌شود. آنها برای جلب حمایت امپریالیست‌ها و نشان دادن دشمنی خود با طبقه کارگر و سازمان ما تا بقانجا پیش رفتند که حاضر شدند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با آنهمه گذشته پراقتخارنش، با همه فداکارها و ایثارگرها بی‌ش "مشکوک" قلمداد کنند! اما برآستی اینها چقدر باید توده‌های مردم را نا- آگاه‌ه‌بندارند که چنین شهمنی را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نسبت دهند. کمی تعمق کنید اینها از سران کشورهای مرتجع و دست نشانده گرفته تا امپریالیسم آمریکا با همه وارد زدن و بند شده‌اند آشوقت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "مشکوک" است؟! بهر صورت اینها هنگامیکه از نزدیکی به احزاب با مصالح بورژوا - لیبرال اروپا نایمید شدند به دمکرات‌های آمریکا روی آوردند. ولی از آنجا که اینان اعتبار خود را در داخل ایران از دست داده بودند امپریالیست‌ها نیز آنها را خیلی جدی نگرفتند بدنبال همین ناگاه میباید بود که بنی صدر تا کتیک خود را از مجاهدین جدا کرد ولی آنها جدائی تاکتیک هم - پیمان استراتژیک دیروز خود را هم نتوانستند تحمل کنند و امروز کارشان به فحاشی علیه همه نیروهای انقلابی کشیده شده است.

**سؤال** - ممکن است در باره جدائی تاکتیک بنی صدر از مجاهدین وضدیت خاص رهبری مجاهدین با سازمان توضیح بیشتری بدهید؟

**جواب** - بله، همانطور که گفتم بنی صدر فقط تاکتیک خود را از رهبری مجاهدین جدا نمود، چرا که در واقع بودیک طرف معشله، عتقادونزدیکی آنها به امپریالیست‌هاست، طرف دیگر اعتقاد متقابل است که معشله امپریالیست‌ها آنها را جدی نمی‌گیرند. عدم همکاری امروز بنی صدر با مجاهدین بمعنای جدائی آنها اساساً از لحاظ ایدئولوژیک و شیوه تگرش آنها نسبت به مسائل اجتماعی نمی‌باشد. هم‌اکنون نیز بنی صدر

ور رهبری مجا همدین دریک جهت کام برمی‌دارند. جدا شی رهبری مجا همدین با بنی‌مدر در این نیست که مثلاً آنها ساختن نشان را از یکدیگر جدا کنند. رهبری مجا همدین و بنی‌مدر هر دو یک سیاست را پیش می‌برند، هر دو با طبقه کارگر و عداوت و دشمنی دارند، رهبری مجا همدین و بنی‌مدر هر دو در جهت حفظ سیاست سرما به وجدب سرما به داران تلاش می‌کنند. رهبری مجا همدین و بنی‌مدر هر دو در جهت جلب حمایت با صلاح احزاب بورژوا - لیبرال اروپا پیشقدم شده‌اند. بنی‌مدر و رهبری مجا همدین هر دو با کمونیست‌ها دشمنی دارند، بنی‌مدر و رهبری مجا همدین هر دو حق تعیین سرنوشت خلقها را نفی می‌کنند. هر دو حقوق خلقهای کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب را زیر پا می‌گذارند و هر دو سیاست خصمانه‌ای را علیه خلقها پیش گرفته‌اند. رهبری مجا همدین و بنی‌مدر هر دو جمهوری دمکراتیک اسلامی می‌خواهند که در اساس هیچ فترقی با جمهوری اسلامی خمینی نداشتند و درودها دلیل دیگر. ملاحظه می‌کنید که هدف آنها یکی است فقط اختلاف در تاکتیکها نشان است. حال شما می‌پرسید چرا با سازمان ما دشمنی خاصی دارند، بخاطر همین نقطه نظرات ما است. هنگامیکه رهبری مجا همدین نمی‌تواند پاسخ مشخصی نسبت به مسائل مطروحه از جانب سازمان را بدهد، آنوقت برخوردهای عصبی و غیر سیاسی می‌کنند. به نشریاتشان مراجعه کنید، اخیراً به کرات نیز در کمال شجاعت، ببخشید بیشتر می‌ادعا کرده‌اند که بنی‌مدر با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است و یکسری ابا طیل دیگر. ولی کیست که نداشتند و نفهمد که این تهمت‌ها و برجسبها قبلاً بوسیله رژیم شاه و خمینی تجربه شده است. کیست که نداشتند این سلاخی که رجوی تازه‌فکران استفاده از آن افتاده است زنگ زده است؟ بهر صورت اینگونه ادعاها و تهمت‌ها را ما به قضاوت عموم مردم ایران می‌گذاریم. تا ریخ مبارزات میهن ما مملو از دلاوریها و فداکارها - شی است که با خون رشیدترین فرزندان خلق نوشته شده است. در این میان بسیار کسانی بودند که در مقام طعنه‌ها با پشت کردن به توده‌های مردم و آرمانهای آنان راه‌ساز را در پیش گرفته‌اند. قیام بهمس ما را بخاطر برپا آورد، چگونه خمینی بروج ناراضا بیتی توده‌ها سوار شد و با استفاده از عدم آگاهی و تشنگی انقلاب را به کجراه کشید. اما تا ریخ تکرار نخواهد شد مردم هر دفعه گول شایعات آنها شی از نوع خمینی را نمی‌خورند.

**سؤال -** می‌خواستیم نظر سازمان را در مورد باطل مظلوم حزب کمونیستی که کومله تشکیل داده است بدانیم؟  
**جواب -** ما تا کنون از این نوع حزبها در ایران فراوان داشته‌ایم، خیلی‌ها خود را حزب کمونیست، حزب طراز نوین طبقه کارگر می‌دانند، نظیر حزب توده، رنجبران، طوفان، کارگران سوسیالیست و امثالهم. حزب کمونیست کومله هم نظیر همین احزاب است. نخست اینکه یدئولوژی حاکم بر این حزب ما رگسیم - لنینیسم نیست، کومله مدافع نوعی سوسیالیسم خرده‌بورژواشی است. در این زمینه در نشریات سازمان تحت عنوان "سوسیالیسم دهقانی" مفصلاً این مسئله مورد بحث قرار گرفته است و جنبه‌های مختلف آن شکار شده است. کافی است که شما به برنا مع آنها بنظر بیایید و ببینید که چگونه برنا مع آنها یک برنامه بورژوا - رفرمیستی است. این مسئله در یک نوشته سازمان، قبل از تحت عنوان "کارگران توری از برنا مع حزب کمونیست" مورد بحث قرار گرفته است.

**سؤال -** ممکن است راجع به برنا مع حزب کمونیست کومله و گرایشاتنا سیونا لیستی این سازمان بیشتر توضیح دهید؟

**جواب -** اگر به نشریات رسمی سازمان طی دو سال گذشته مراجعه کنید نوشته‌های زیادی در این باره ملاحظه می‌کنید، چرا که بحث و بررسی پیرامون این مسائل از حوصله این گفتگو خارج است با اینهمه در حد امکان در اینجا مسئله را با زتر می‌کنیم. شما در برنا مع حزب کمونیست کومله ملاحظه می‌کنید که کومله‌خواهان برقراری "حاکمیت مردم" "شوراهای مردم" و امثالهم است. اما این مردم که هستند؟ آنها پاسخ نمی‌دهند. در نظر بگیرید برنا مع حزب کمونیست کومله به مردم وعده جمهوری دمکراتیک انقلابی را می‌دهد که در آن حاکمیت مردم اعمال می‌شود. در حالیکه هر کسی که با الفبای ما رگسیم آشنا باشد می‌داند که دولت ارگان سیاست طبقه‌ای است. هر دولتی دیکتاتوری طبقه‌ای طبقه‌ای است. اما کومله و حزب کمونیست تصور می‌کنند که در جمهوری دمکراتیک انقلابی دیکتاتوری هیچ طبقه‌ای اعمال نمی‌شود و حاکمیت مردم اعمال می‌شود. تنها همین مسئله کافی است که شما بی‌به عمق تفکرات عموم خلقی وایدئولوژی خرده‌بورژواشی حاکم بر این حزب ببینید. یا در نظر بگیرید که کومله از یکسوی خود را مظهر آگاه و بیخس پیش‌آهنگ پرولتاریای جوان کردستان بطور خاص معرفی می‌کند، کارگران کرد را از پرولتاریای عموم ملیت‌های ساکن ایران جدا می‌کند و در عین حال مدعی تشکیل حزب کمونیست است این مسئله خود به بارزترین وجه گرایشنا سیونا لیستی کومله را نشان می‌دهد. آنها به این طریق تلاش می‌کنند که در صفوف طبقه

کارگر تفرقه و جدائی بیندازند، کارگران کرد را از کارگران عموم ملیت‌های ساکن ایران جدا کنند، به گرایش‌های ناسیونالیستی دامن بزنند، در حالیکه آنها که با ما رگسیم - لنینیم آشنا می‌دارند خوب می‌دانند که عموم پرولتاریای ملیت‌های ساکن ایران طبقه کارگر و ادوسراسری ایران را تشکیل می‌دهد و هیچ منافع معینی نمی‌تواند آنها را از یکدیگر جدا کند. کارگران ملیت‌های ساکن ایران بهیچ‌وجه نیازی ندارند که در هر گوشه ایران کسی خود را نماینده آنها معسر فی کند. مثلاً آنطور که کومله خود را تنها پیش‌آهنگ و مظهر آگاه پرولتاریای جوان کردستان معرفی می‌کند. همین ناسیونالیسم است که سبب می‌گردد کومله در عرصه بین‌المللی نیز با کلیه کشورهای سوسیالیستی دشمنی بورژوازی، خنده‌آور ترا زهر چیز این واقعیت است که حزب کمونیست کومله نه تنها در میان طبقه کارگر ایران نفوذی ندارد، بلکه به جرات می‌توان گفت که آنها حتی چند هفته کارگری هم در میان کارگران ندارند و ایدئولوژی و خط مافی آنها در جا مع هیچ جا یگانه در میان طبقه کارگر ندارد. در یک کلام کومله و حزب کمونیست اش بخشی از دهقانان کردستان را نمایندگی می‌کنند.

**سوال -** خود سازمان در زمینه تشکیل حزب کمونیست چه گام‌هایی برداشته است؟

**جواب -** مسئله تشکیل حزب کمونیست از دیدگاه ما یک امر سربرم و جدی در جنبش کمونیستی ایران است. ما در این زمینه به معیارهای لنینی برای تشکیل حزب کمونیست معتقدیم، ما با این مسئله اعتقاد داریم که یک سازمان بدون معیارهای لنینی تشکیل شود نام خود را حزب کمونیست بگذارد. ما اعتقاد داریم قبل از هر چیز ضروریست که یک ادبیات واحد و مشترک در میان کمونیست‌های ایران وجود داشته باشد. تجسم این امر یک برنامه واحد و حدیثی است. ما تاکنون یک طرح برنامه‌ریزی را شده ایم. این طرح که محصول تجربیات جنبش کمونیستی ایران و جهان است، بر مبنای یک مبارزه ایدئولوژیک همه‌جانبه صورت گرفته است. ما از همه نیروهای مدعی ما رگسیم - لنینیم خواهانیم که آنها انتقادات و پیشنهادات خود را در باره این طرح که اکنون بطور علنی در سطح جنبش انتشار یافته است پیش از تصویب در دومین کنگره سازمان ارائه دهند. بدون شک این برنامه کاملاً مهمی در راستای تشکیل حزب کمونیست ایران است. ما هر چند داشتن یک برنامه برای تشکیل حزب ضروریست ولی کافی نیست. لازم است که علاوه بر این بیس جنبش خود انگیخته طبقه کارگر و جنبش کمونیستی ایران تلفیق لازم صورت گرفته باشد. ما در این زمینه نیز تلاش‌های خود را گسترش داده ایم و معتقدیم که حزب کمونیست ایران با دید مبنای این پیش‌شرطها تشکیل گردد. تنها چنین حزبی قادر است رهبری مبارزه طبقاتی کارگران را تا نیل پیروزی نهایی در دست گیرد.

**سوال -** اخیراً حزب دمکرات کردستان اعلام کرده است که با رژیم جمهوری اسلامی سرگرم مذاکره بوده است، نظر شما در این مورد چیست؟

**جواب -** بلکه ما هم از طریق موضع‌گیری اخیر حزب دمکرات متوجه شدیم، در شرایطی که بیش از پنج سال از یورش سبانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان می‌گذرد و وظیفه این مدت خلق کردی‌ها شب‌اقتمادی سیاسی عظیمی را متحمل شده است، بهترین فرزندان خود را برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت از دست داده است، در شرایطی که جنبش سراسری علیرغم ضربات وارد شده همچنان به مقاومت و مبارزه علیه رژیم ادامه می‌دهد، توده‌های مردم ناراضی خود را با تحاه مختلف آشکارا نموده اند و اعضا با متعده کارگری در مراکز تولیدگری دارند، بطور کلی در شرایطی که مسئله مردم ایران سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است حزب دمکرات می‌خواهد از رژیم امتیاز بگیرد. برآستی حزب دمکرات چه جوابی برای توده‌های مردم دارد؟ حزب دمکرات با چه موضعی خودش را مشخص کند، آیا مسئله مهم برای حزب دمکرات امتیاز گرفتن از رژیم است که در حال سقوط است؟ آیا کمک به سرنوشتی این رژیم؟ بعبارت دیگر انقلاب برای حزب مظهر است یا رژیم؟ این مسئله‌ای است که حزب دمکرات باید به آن پاسخ دهد. بدون شک هرگونه توافق که در این شرایط از طرف هر نیروی و در هر منطقه‌ای از ایران صورت بگیرد، از طرف توده‌های مردم سراسر ایران محکوم خواهد بود و هیچگونه تضامنت اجرائی نخواهد داشت. این کار قطعاً موجب تشقت بیشتر بین نیروهای انقلابی را نیز فراهم خواهد نمود. از طرفی رژیم طی دو سال گذشته در کردستان پیشرویهایی داشته است و توانسته است تا حدی به مناسط طبقه استراتژیک دست یابد، از منطقه کردستان هم جبهه‌ای علیه رژیم عراق باز کرده و از لحاظ نظامی نیاز مبرمی به اینگونه توافقها ندارد. هدف رژیم از این مذاکرات بیشتر این است که می‌خواهد با این مذاکرات ضربه سیاسی به پوزیسیون انقلابی وارد آورد و تشقت و توافق را بین نیروهای انقلابی دامن زند.

## شیا دی آیت‌الله مشگینی

آیت‌الله مشگینی، یکی از شیادان رژیم، در دیداری با حزب - اللهی‌ها گفت: "یکاس منم جای آن شهیدی بودم که خونش را در راه خدا ریخته شده است. آخرین بر پدر و مادری که چنین فرزندی را تربیت کرده‌اند و در راه اسلام هدیه دادند. خانواده‌های شهدا ابراهیم‌هایی هستند که اسماعیل و حسین‌هایی‌کن‌علی‌اکبر - هایشان را داده‌اند. افتخار بر شما که چنین سعادت را دارید که در روز قیامت در زیر پرچم حسین جمع خواهد شد. عظمت شما در آن روز معلوم خواهد شد." وی افزود: "هر وقت که از اسلام دور شدید، شماها اسیر آمریکا و شوروی خواهید شد اگر این حالت استقلال و خضوع خود را در برابر خدا از دست دهید، همه چیز خود را از دست خواهید داد."

مشگینی همچنین افزود: "ای - روحانی فکر نکن که اگر با انقلاب نباشی، در خانه بنسنی‌تارژیم دیگر آید و به تو پست و مقام می‌دهند. به خدا تو در اشتباهی. به‌خداوندیس سوگند که اگر این انقلاب نابود شود تو هم نابود خواهی شد."

## مشکلات رژیم در سال ششم

خامنه‌ای با اشاره به کمبود بودجه سال جدید که استانداران با آن مواجه هستند، گفت: "مشکلات را - حداقل بصورت موقعی و مقطعی حل کنید." وی اضافه کرد: رژیم در سال ششم خود به مشکلات و دردهائی مبتلا است که شناخت آنها مهم است. یکی از این مشکلات اختلاف دیدگاه - پیرامون مسائل اقتصادی است که ناشی از خودخواهی‌ها و تنگ‌نظری‌ها و عدم تفاهم است."



## جنگ گران تمام شده

رفسنجانی در سمینار فرماندهان نیروی زمینی گفت: "جنگ برای ما از لحاظ مادی و نیروهای انسانی گران تمام شده، ما تقریباً یک - سوم بودجه کشور را خرج جنگ می‌کنیم که اگر به هر بخشی ریخته شود تحرک زیادی بوجود می‌آورد. الان چهار، پنج استان ما نیمه فلج هستند."

## اسلام و سرمایه‌داری

خامنه‌ای در جمع مدیران و سرپرستان سازمان تعاونی روستائی می‌گوید: "کسانیکه اسلام را درست درک نکرده اند خیال میکنند اسلام گفته درآمد زیاد نداشته باشید - درحالیکه از نظر اسلام درآمد - حلال (!؟) هیچ اشکالی ندارد."

## اخذ مالیات از زندا رها

سرپرست سازمان برنامه و بودجه در سمینار دانشجویان گفت: "خیال نکنید که مالیات از کسانیکه بسول درمی‌آورند گرفته میشود. نه اتفاقاً از کسانیکه پول ندارند و مهارشان

در دست دولت است، از این - مالیات گرفته میشود."

## تفاوت مالیات و تجارت "محترم" و کارمندان

بنا به اعتراف رژیم، در سال ۶۲ مبلغ ۲۲ میلیارد ریال از مشاغل مالیات گرفته شد. در حالیکه در همین سال حقوق بگیران دولت ۵۹ میلیارد ریال مالیات به دولت - پرداختند.

## انحصار ما هیگگیری توسط رژیم

اخیراً رژیم جمهوری اسلامی با دست‌گرفتن انحصار فروش لوازم ماهیگیری و قایقهای ماهیگیری (لج) فشار بسیاری را بر روی صیادان، بخصوص صیادان میگو، وارد آورده است. دولت با این کار، صیادان را مجبور به فروش صید به قیمت ارزان - شیلات جنوب می‌نماید. کسانی که صید را تحویل دولت ندهند، نه تنها - وسیله‌ای در اختیار آنها قرار نمی - گیرد، بلکه اجازه صید آنها نیز لغو

می‌شود. در نتیجه فروش میگو بصورت آزاد توسط میادان، بعنوان قاچاق تلقی می‌گردد. این مسئله ناراضی‌تبی شدید میادان را (با توجه به گرانی لوازم ماهیگیری و پائین بودن قیمت پیشنهادی از جانب دولت) موجب می‌شود لازم به یادآوری است که قبلا لوازم ماهیگیری از شیخ نشین های خلیج فارس تهیه می‌شد، ولی در حال حاضر

بفروش می‌رساند، آنرا به قیمت ۲۰ تا ۳۰ تومان از میادان خریداری می‌کند.

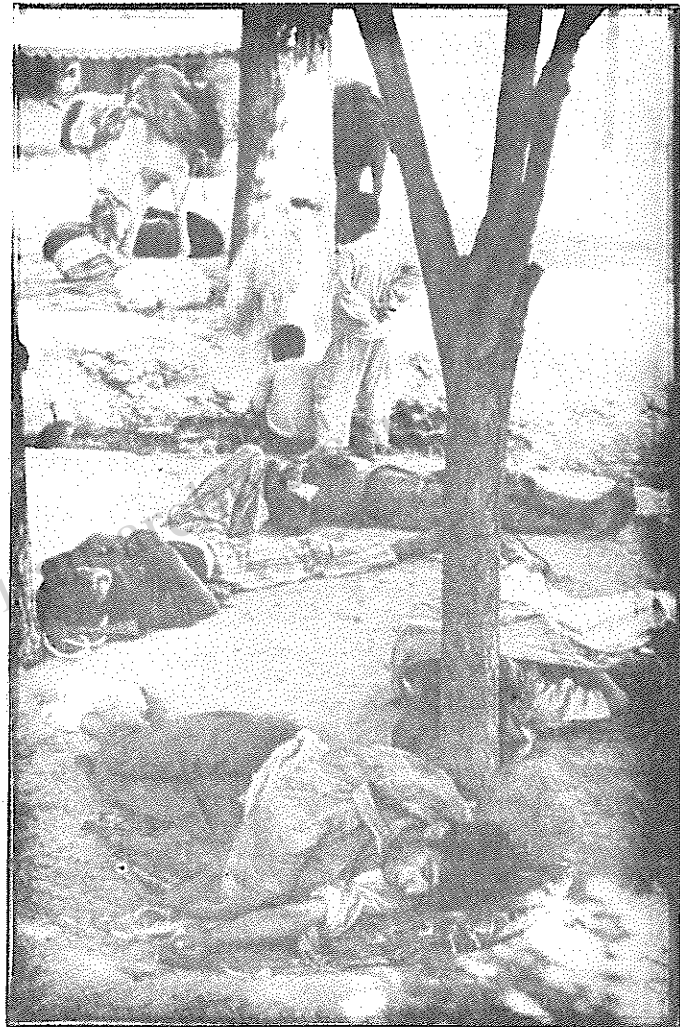
## مهاجرت مردم زحمتکش جزایر لارک و هنگام

جزیره لارک که مردم آن اکثرا به ماهیگیری اشتغال دارند، اینک

اسپاه پاسداران پرداخته است، تسریع شده است. البته باید تضادهای شدید مذهبی و فرهنگی، بین مردم - این ناحیه و سپاه پاسداران را نیز یکی از دلایل عمده این مهاجرت دانست. مردم این جزیره به زبان عربی و لارکی صحبت می‌کنند و از لحاظ فرهنگی به خلق عرب نزدیک تر هستند و تماما سنی مذهب می‌باشند). مهاجرت اهالی جزیره هنگام که در جنوب جزیره قشم واقع شده است نیز اخیرا افزایش یافته است. جزیره هنگام - دارای دو محله بنام "هنگام عربها" و "هنگام عجمها" میباشد و اکثر مردم آن یا ماهیگیر هستند و یا از طریق رفت و آمد و فروش جنس (پیله - وری) زندگی می‌کنند. بعد از قیام، بعلت ورود پاسداران و اذیت و آزار آنها و فقر اقتصادی زحمتکشان، آنها دست از کار و زندگی خود کشیده - بسوی سواحل جنوبی خلیج فارس فرار میکنند.

## جایزه به گندمکاران

نماینده قوچان در مورد سیاست رژیم مبنی بر اعطای جایزه به کشاورزانی که میزان معینی گندم به سلوفا تحویل دهند، گفت "جوایز ضررهای فراوانی را به وجود آورده. کشاورزان به همین خاطر، بناچار گندم را از سایر کشاورزان خریداری کردند تا گندم خود را به حد نصاب برسانند و تحویل دهند در نتیجه گندم های کشاورزی که برای نسیان سالانه اش مورد نیاز بود، به سلوفا تحویل داده شد و ما نیز فقط دلمان را خوش کرده ایم به اینکه آمار تحویل گندم به سلوفا بالا رفته و در مقابل، جوایزی از قبیل وسایل نقلیه مثل لندروور به آنها تحویل داده خواهد شد که این خود تشویق کشاورزان به ترک کشاورزی است، زیرا کشاورز وقتی وسیله نقلیه پیدا کرد، از آنجا که میتواند از کنار این وسیله نقلیه درآمد بیشتری کسب کند، از کشاورزی دست برمی‌دارد."



بیش از ۴ سال است که بخاطر فشار های رژیم، هر روزه تعداد زیادی از سکنه آن به کرانه های جنوبی خلیج فارس، بخصوص شارجه، دومی و عجمان مهاجرت مینمایند. این حرکت، بخصوص در یک سال گذشته که رژیم مسئله بستن تنگه هرمز (این جزیره نزدیک ترین محل به تنگه هرمز میباشد) را مطرح ساخته و به گسیل اوباشان

بعلت پائین بودن ارزش پول، ایران، این کار چندان به صرفه نیست. در بعضی موارد زحمتکشانی که صید را برای فروش به بازارهای دبی می‌برند، بوسیله قایقهای گشتی سپاه پاسداران دستگیر میشوند و وسایل شان توقیف و خودشان بعنوان قاچاقچی محبوس می‌گردند. رژیم جمهوری اسلامی که میگو را کیلوئی ۶۰ تومان

## "حکومت که اسلامی شد،

### بدتر از سابق شد!"

آیت الله جنتی در نماز جمعه در باره هفته وحدت اظهار داشت: "هفته‌ای که گذشت بعنوان هفته وحدت نامگذاری شده بود و یک مراسم پراکنده در گوشه و کنار برگزار شد. انتظار ما این است که هرچه باشکوه‌تر برگزار شود. انشاءالله در سالهای آینده با دست‌آورد های بیشتری این هفته را برپا کنیم." وی افزود: "وحدت و همه حقایق با شعار درست نمیشود، تشکیل اجتماعات مختلف و دعوت به وحدت در رسانه‌های گروهی و حتی برگزاری هفته وحدت نمی‌تواند عامل اصلی وحدت باشد. نگذارید این مردم عزیزی که این همه اینار می‌کنند دلسرد شوند و عده‌ای بگویند حکومت که اسلامی شد، بدتر از سابق شد."

## دلایل تاریخی

### ضربه خوردن اسلام!

رفسنجانی در خطبه نماز جمعه تهران در رابطه با "ضربه زدن - غربی‌ها به اسلام" گفت: "زمانی که در اول پیروزی اسلام در قرن اول مسلمانها بطرف غرب و اروپا رفتند و پس از عبور از جبل الطارق و تصرف اسپانیا و برپائی حکومت اسلامی در اندولوس یک درگیری بین اسلام و غربی‌ها بوجود آمد. این حکومت اسلامی در اندولوس مایه حرکت عظیمی در اروپا شد و باعث شد تا اسلام در اروپا مطرح شود. یکی از کارهایی که اروپائیان در مقابل این امر کردند، این بود که آمدند بنام تجارت آزاد مشروبات الکلی وارد کردند و دختران زیبا را در مجامع عمومی، پارکها و دانشگاهها و همه جا در اختیار جوانان گذاشتند و از این طریق موفق شدند که ضربه به مسلمانان بزنند و حکومت را از دست مسلمانها خارج کنند."



میان عرصه و تقاضا گام موثری برداشته، بار توزیع را سبک‌کنند و جامعه را از این بحران و نقیصه اقتصادی برهاند." بنا به گزارش - این نشریه: "آمارهایی که در باره رشد تولیدات داده شده است، غالباً غیر واقعی و اغراض است. درسیای از موارد افزایش قیمت بجای افزایش تولید گرفته شده و زیرکانه رشد قیمت‌ها و بالا رفتن سود کارخانه را رشد تولید جلوه داده‌اند."

## اختلاس و کلاهبرداری در بین سردمداران رژیم

اخیراً حسابدار و مسئول بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شوشتر به اتهامات مختلف از جمله اختلاس و جعل سند دستگیر شد. حافظ صالحی، حسابدار بنیاد مسکن، به اتقاق مسئول و سرپرست بنیاد به جرم اختلاس دو - میلیون تومان خرید آهن به نرخ دولتی و فروش آن در بازار آزاد (که قیمت آن سرسام آور است) و همچنین فروش یک قطعه زمین به ۱۵ نفر که فعلاً همگی آنها ادعای مالکیت آنرا دارند و یک سری کلاهبرداری ریز و درشت دیگر دستگیر و فعلاً در زندان شوشتر سر می‌برد.

## غیر واقعی بودن آمار رشد تولیدات

بنا به گزارش نشریه "اقتصاد اسلامی"، ارکان جامعه انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف تهران، تولیدات ایران "اعم از کشاورزی و صنعتی، از نظر کمی سبزه در رابطه با رشد جمعیت پائین آمده و از این رو - نتوانسته است در برقراری تعادل

## انتقاد به چاپ عکس

### "خواهران" ورزشکار در کنار

### ورزشکاران مرد!

سید اسماعیل داوودی شمسی، سرپرست سازمان تربیت بدنی رژیم جمهوری اسلامی از مطبوعات و رسانه‌های گروهی انتقاد نمود که چرا از نحوه تبلیغات جهت فعالیت‌های ورزشی "خواهران" که توسط سازمان تربیت بدنی ارائه گردیده است، استفاده نمی‌کنند و به جای آن "با عنوان کردن اسم فلان خواهر بعنوان ستاره مسابقات، قصد دارند دوباره قضیه دختر شایسته را برآه بیاندازند!" داوودی شمسی همچنین از مطبوعات انتقاد نمود که "چرا عکس‌خواهران در نشریه‌هایی که عکس ورزشکاران مرد در آن چاپ می‌رسد، گنجانده می‌شود!"